



۵. «الحسین بن محمد عن أحمد بن إسحاق عن سعدان بن مسلم عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال سألته عن قوله الله تعالى «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» قال الخاتم والمسكة، وهي القلب.»^۱

مَسَكَةٌ: دست بند و پایندی که از جنس عاج باشد.

۶. «هارون بن مسلم عن مسعدة بن زياد قال و سمعت جعفرًا وسئل عما تظهر المرأة من زينتها قال الوجه والكفين.»^۲

۷. «من كتاب المحاسن عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله جل ثناؤه «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» قال الوجه والذراعان.»^۳

توجه شود که مضمون این روایت حلیت عدم ستر در ذراع (از نوک انگشت تا آرنج) است. ولی با توجه به روایت دیگر که کفین را مورد اشاره قرار داده (روایت ۶) و ستر آن لازم ندانسته و روایت اول که ستر ذراع را لازم دانسته است، می توان گفت آنچه نظر به آن جایز است و ستر آن لازم نیست، تا میج دست است، پس روایتی که ستر ذراع را لازم ندانسته، مرادش همین مقدار است و روایتی که آن را واجب کرده است، مرادش مافوق میج است.

اما:

مرحوم شعرانی در حاشیه بر «وافی» با توجه به تفسیری که از آیه شریفه مطرح کرده است، تفصیل دیگری را در بحث طرح می کند. ایشان می نویسد:

«قوله «و كأن ما ظهر منها يختلف...» المراد- والله العالم - أن يظهر شيء بنفسه من غير اختيار، أي لا تظهر النساء شيئاً من زينتهنّ إلا يظهر شيء بغير اختيارهنّ، و تفسيره بالوجه والكفين أو زينة الوجه مثلا لا ينافي ذلك، لأنّه بيان المصداق لا المفهوم، فكأنه قال الامام عليه السلام: الذي يظهر بنفسه في غالب عادات النساء اضطراراً هي الوجه و الكفان لأنها كلما بالغت المرأة في سترها انكشف منها شيء بعض

۱. همان

۲. همان

۳. همان

الأحيان، و لا حرج فيه لمكان الضرورة دون سائر مواضع البدن، إذ لا يتفق في غالب العادات أن ينكشف
لضرورة و من غير اختيار المرأة.»^۱

توضیح:

۱. مراد از زینت‌ها که لازم نیست مخفی داشته شوند، آن‌هایی هستند که بدون اختیار ظاهر می‌شوند.
۲. پس مراد آن است که زن نباید زینت‌های خویش را ظاهر کند مگر آنهایی که بدون اختیار ظاهر می‌شوند.
۳. اما اینکه در روایات زینت ظاهر، وجه و کفین یا زینت وجه و کفین معرفی شده است، با آنچه گفتیم منافات ندارد، چراکه حضرت در مقام آن بوده‌اند که مصداق زینت را معلوم کنند و نه اینکه بگویند اینها به نفسه حلال هستند.
۴. پس گویی ائمه می‌فرمایند: چون وجه و کفین به گونه‌ای هستند که هر چه هم زن تلاش کند، بالأخره دیده می‌شود، لذا اگر غیراختیاری دیده شدند، مانعی ندارد ولی سائر مواضع بدن معمولاً دیده نمی‌شوند.

ما می‌گوئیم:

۱. نکته ایشان، استفاده‌ای است که از معنی «ما ظهر منها» کرده‌اند. ایشان می‌گویند «ما ظهر منه» یعنی آنچه «ظاهر شد» و این با ظهور غیر اختیاری سازگار است.
۲. مرحوم شعرانی در پاسخ به این سوال که «پس چرا روایات، مآظهر را وجه و کفین معرفی کرده است؟» می‌نویسد:

«و قد فسّر فی هذه الاخبار ما يظهر بنفسه من غير اختيار بالوجه و الكفين و ذلك لأن المرأة ليست بمعدورة أن تظهر بعض أعضائها الآخر كالجيد و الصدر و الساق لأنها لا تظهر بنفسها في غالب عادات النساء إلا أن يكون في بيتها فيطلع عليها رجل أجنبي بغير اختيار و يرى غير الوجه و الكفين و يشمله قوله تعالى إلا ما ظهر منها و لكن اتفاق وقوع مثله قليل، و إنما يتفق الظهور بنفسه من غير اختيار غالباً في الوجه و الكفين و القدمين لخروج المرأة في حوائجها و عدم اعتياد لبس الجوارب و ستر الكف و زوال النقاب عن بعض الوجه بالريح و مثلها، فقيد في هذه الاخبار الزينة الظاهرة و الحاصل أنه لا فرق بين الوجه

۱. الوافی، ج ۲۲، ص ۶۹۹





و الکفین و سایر الاعضاء، اما اختیاراً فلا يجوز ابداء هما و النظر اليها، و اما اضطراراً فهو خارج عن التکلیف و لا حرج فيه، و إنما خص ذکر الوجه و الکفین فی الاستثناء لغلبة الاضطرار و الظهور بنفسها فیها»^۱

توضیح:

۱. آیه می گوید هرچه غیر اختیاری است، جایز است چه وجه و کفین باشد و چه غیر آن.
۲. ولی چون معمولاً وجه و کفین دیده می شود، آن را در روایات مطرح کرده است.

ما می گوئیم:

۱. ممکن است درباره روایات بگوئیم روایات می گویند: «باید خود را بپوشانند، در دست و صورت که اگر خود به خود ظاهر شود اشکال ندارد، ولی در غیر دست و صورت اگر به صورت غیر اختیاری باشد، اشکال دارد؛ البته توجه شود که مراد آن است که اگر زن می داند که وقتی بیرون برود به طور غیر اختیاری دست و صورت او دیده می شود، این اشکال ندارد ولی اگر می داند با رفتن به جایی مازاد بر آن دیده می شود، رفتن اشکال دارد.»

۲. آیت الله شبیری در درس نکاح خود می فرمودند: در «ما ظهر منها» سه احتمال مطرح است:

- الف) ما یظهر من دون اختیار. (که در این صورت باید روایات را هم بر همین معنی حمل کنیم)
- ب) آنچه خود ظاهر می کند. (که این مستهجن است، چراکه معنی چنین می شود: مخفی کنید زینت ها را مگر آنها را که خودتان می خواهید ظاهر کنید.)
- ج) آنچه معمولاً و در عرف ظاهر است را می توانید ظاهر کنید.

۳. بر احتمال سوم اشکال شده است که در این صورت، دیگر حکم حجاب تأسیسی نیست بلکه تقریر سنت عرب است.

۴. آیت الله شبیری احتمال سوم را پذیرفته است و پاسخ می دهند که علیرغم این، حکم مذکور تأسیسی است، چراکه در عرف معمول در زمان های مختلف و مکان های مختلف، حدود ظهور فرق دارد، ولی با توجه به روایات که مآظهر را وجه و کفین تعیین می کند، حدود این ظهور عرفی معلوم شده است.

۱. الوافی، ج ۲۲، ص ۸۱۸



ایشان هم چنین احتمال اول را رد می‌کنند، چراکه این احتمال با روایات نمی‌سازد، چراکه در این صورت باید روایات از باب «غلبه عادی» باشد در حالیکه ظهور روایات چنین نیست.^۱

۵. اما بر سخن ما درباره جمع بین فرمایش مرحوم شعرانی و روایات این اشکال مطرح است که آنچه در این فرض مطرح شده است، زائد بر دلالت آیه و روایات، متضمن مطالبی است که دلیلی برای آن موجود نیست.

۶. نکته دیگر در اشکال بر مرحوم شعرانی آن است که طبق بیان ایشان، چنانکه که خود تصریح دارند،^۲ استثناء در «لایبیدین الا ما ظهر» استثناء منقطع است چراکه معنی چنین می‌شود: «اختیاراً آشکار نکنید الا آنچه غیر اختیاری ظاهر شده است» و روشن است که امر غیر اختیاری داخل در مستثنی فیه (امر اختیاری) نیست ولی طبق احتمال سوم استثناء متصل است چراکه آیه می‌گوید «همه زینت‌ها را بپوشانید مگر دست و صورت» و چنانکه در جای خود گفته شده است، اصل در استثناء، اتصال است.

جمع بندی:

با توجه به روایات که در تفسیر آیه وارد شده است، روئیت وجه و کفین و زینت‌های آنها اگر بدون ریبه باشد جایز است و ستر آنها هم واجب نیست، توجه شود که تقیید به صورت عدم ریبه، محتاج اثبات از ادله خاص آن است. البته اگر آرایش به نوعی باشد که عرفاً مستلزم نظر ریبه است (حتی اگر زن علم به فعلیت «نظر مع الریبه» ندارد) علی الاحوط لازم است پوشانده شود چراکه لازم است زن خود را در «معرض نظر ریبه» هم قرار ندهد. چنانکه در اصل حجاب آنچه واجب است، وجوب ستر در صورتی است که احتمال روئیت نامحرم مطرح باشد. البحث موكول الی محله.

۱. درس شماره ۴۶، کتاب النکاح.

۲. نشر طوبی، ج ۱، ص ۳۳۹.